

Governmental Policy of Land Reform and Water Crisis in Iran

Masoud Ghaffari

Associate Professor, Department of Political Sciences,
Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran.

Habib Rezazadeh*

PhD, Department of Political Sciences, Tarbiat
Modares University, Tehran, Iran.

Abstract

First: The current water crisis in Iran is the product of years of inappropriate decisions and management, which occurred due to the increase in water demand from the country's water resources. Agrarian reform policy and the issue of land. The result was the fragmentation of agricultural land, which, along with the introduction of deep and semi-deep well exploitation technology, led to the digging of wells by small-scale farmers and landowners and the increase in underground water exploitation; because the easiest way for every person who owned land was to dig a well.

Second: New institutionalism does not consider the economic future and the development of societies as a future with unlimited choices; considering that property rights are among the effective institutions; therefore, the policies that target the property rights of the society create major changes in the society. Land reform is a type of institutional change that is carried out by the government to transform the existing ownership structure and transform it into a desirable structure. Therefore, by using the new institutionalism, we can see the historical impact of land reforms, which was the policy of the government institution in changing and redefining the institution of land ownership; it highlighted the current water crisis.

Third: Before land reforms, Iran's land system had three characteristics: 1- the concentration of land in the hands of a number of absent owners; 2- Shareholding as the dominant form of tenancy and 3- The prevalence of old and primitive techniques in production was determined. About the type of ownership of Iranian villages at that time, the information related to land reforms shows that 6,885 were in the care of religious institutions, 1,535 villages and parts of the other 245 were owned by the government and the royal institution also owned 2,167 villages and their lands. These institutions

* Corresponding Author: Habib.rezazade@gmail.com

How to Cite: Ghaffari, M., & Rezazadeh, H. (2024). Governmental Policy of Land Reform and Water Crisis in Iran. *State Studies*, 9(36), 173-208. doi: 10.22054/tssq.2022.48065.785.

owned about 20% of the villages. In addition, Iran had 2,250 private owners, each of whom had more than one village; these people owned 11,740 villages. About 20 percent of the villages were for rural farmers and the remaining 38 percent belonged to 320,000 owners. However, following the changes in the ownership institution, the ratio of independent farmers to the rural population, which was less than 5% before the land reforms, reached 76% of the rural population after the land reforms. Although agrarian reforms increased the number of land-owning farmers, they could not give them enough land to become capable and self-reliant farmers. Because the average area of the farm in 1353 was 6.6 hectares and 37% of the land was in water shortage condition

Fourth: The issue of land and the institution of ownership after the Islamic revolution

At the beginning of the victory of the Islamic revolution, due to the expectations created among the rural strata and farmers within the framework of the slogans of the revolution era, in the rural areas, the conflict over land occupation had occupied everyone; In addition to local encroachments, the new regime tried to implement a series of land distribution policies. These land division policies culminated in the redistribution of what was mostly government land and the setting of ownership ceilings in each locality, which led to the redistribution of some of the remaining private land to large landowners. The result of the land division policy of the 1980s was to once again destroy the remnants of large-scale private capitalist agriculture and convert it into numerous small farms. At the same time as the fragmentation and scattering of agricultural lands, which was the result of land reforms and changes in the ownership institution; we see an increase in the number of well rings; the new owners began to dig wells for their newly acquired lands using the new well drilling technology. As a result of these events, the number of wells in the country increased from about 47,000 wells in the water year 1972-1973 to about 763,000 wells in the water year 2011-2012, and the amount of harvesting also increased from 9 billion cubic meters to more than 47 billion cubic meters. Thus, during this period, the number of wells has increased 16 times and the amount of harvests has increased more than 5 times

Fifth: Before the land reforms, the number of small farmers was 320,000, who, together with 2,250 large owners, owned 60% of the agricultural land, and the average land of farmers was more than 20 hectares, the number of underground water resource exploitation wells was less than 40,000 wells, and the amount of exploitation was also less than 9,000 cubic meters. But in 1979, when the number of small owners increased to 1,601,000 operators, the number of wells increased to more than 70,000 wells, and in 1988, when the number of operators increased to 2,800,000 and the average area of agricultural land is less than 3 hectares, the number of wells 221,691 and the amount of underground water extraction is 32,599 cubic meters and in 2003, when the number of users is 3,480,729, the number of well rings is 468,049 and the amount of extraction is 44,895 cubic meters; In the early 1990s, with


| 175 | Ghaffari & Rezazadeh

the number of 3,359,409 operators, we see more than 763,664 wells and the extraction rate of 47,182 cubic meters.


Keywords: Land Reform, Water Crisis, Institutionalism, Groundwater, Farmers.

سیاست دولتی اصلاحات ارضی و بحران آب در ایران

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مسعود غفاری 

دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

حبیب رضازاده* 

چکیده

سیاست‌های دولتی به دلیل تأثیر عمیقشان، واجد تبعات فراوانی هستند؛ مخصوصاً اگر این سیاست‌ها تغییر نهاد مالکیت را هدف قرار دهند. کشور ایران امروزه با بحران آبی مواجه است که علل و دلایل مختلفی دارد، از جمله افزایش جمعیت، کشاورزی سنتی، خشک‌سالی‌های اخیر و ... اما می‌توان به دلایل دیگری نیز برای بحران آب فعلی اشاره کرد که شاید در نگاه اول به‌اندازه علل و دلایل فوق‌الذکر آشکار نباشند؛ اما در طی تاریخ منجر به اتفاقات دیگری شده‌اند و امروزه می‌توان در بررسی بحران آب تأثیرات آن‌ها را مشاهده کرد. یکی از علل بحران آب که ریشه در تصمیمات نهاد دولت دارد، سیاست دولت در خصوص تغییر حقوق مالکیت با انجام اصلاحات ارضی است. سؤال تحقیق این است که، نقش سیاست اصلاحات ارضی در بحران آب چیست و چگونه عمل کرده است؟ اصلاحات ارضی، سیاستی است که به باز توزیع زمین‌های زراعی مرغوب و البته در حالت کلی به باز توزیع کلیه منابع کشاورزی از جمله منابع آبی می‌پردازد. برای بررسی چگونگی تأثیر سیاست دولتی اصلاحات ارضی بر بحران آب فعلی از چارچوب نظری نهادگرایی جدید و روش کتابخانه‌ای بهره‌جسته‌ایم. در پی تغییر نهاد قانون مالکیت در پی اصلاحات ارضی توسط دولت و تداوم آن به‌نوعی دیگر در پس از انقلاب، زمین‌های زراعی خُرد و پراکنده شده‌اند. خُرد و پراکندگی زمین‌های زراعی نیز منابع آبی را با مشکلات متعددی مواجه کرده است، در نتیجه آن، افزایش بهره‌بردار خُرد و حلقه‌های چاه مجاز و غیرمجاز برای استخراج آب‌های زیرزمینی و موجب تشدید و تعمیق بحران در منابع آبی شده است.

واژگان کلیدی: اصلاحات ارضی، بحران آب، نهادگرایی، آب زیرزمینی، کشاورزان.

مقدمه

آب همواره یکی از دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های ساکنان فلات ایران بوده و است؛ به نحوی که برخی از اندیشمندان حتی نوع حکومت در تاریخ ایران را به کمبود منابع آبی و نحوه مدیریت آن مرتبط می‌دانند.^۱ اما ایرانیان با نوع مدیریت خود، توانسته بودند از تبدیل مسئله آب به بحران و تنش خودداری کنند.^۲ اما در پی برخی سیاست‌گذاری‌ها و تصمیماتی که بی‌توجه به تبعات آن‌ها بر منابع آبی اخذ و اجرا گردید، امروزه مسئله آب به تنش آبی بدل شده است. می‌توان بین بحران آب فعلی و تمامی سیاست‌های گذشته ارتباطی برقرار کرد، از جمله بین اصلاحات ارضی در دهه ۴۰ و تداوم آن در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ که بر کشاورزی بسیار مؤثر بوده‌اند.^۳ هرچند هدف نهاد دولت از انجام اصلاحات ارضی سیاسی و اجتماعی بوده است؛ اما با تغییر در نهاد مالکیت در پی اصلاحات ارضی، بهره‌برداران نیز خود را با قوانین جدید همراه کرده و اصلاحات ارضی که در پنج دهه قبل آغاز گردید و قریب به دو دهه (قبل و بعد از انقلاب) تداوم یافت، موجب تقسیم، پراکندگی و خرد شدن زمین‌های کشاورزی شده و همین امر هم‌زمان با ورود فناوری بهره‌برداری از چاه‌های عمیق و نیمه

۱. برای اطلاعات بیشتر ن. ک. به: ویتفولگ، کارل آگوست (۱۳۹۲)، استبداد شرقی، ترجمه محسن ثلاثی، نشر ثالث، چاپ سوم؛ کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۴)، دولت و جامعه در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی، ترجمه حسن افشار، انتشارات مرکز، چاپ هشتم.

2. Lewis, Gary (2014), The need to restore Iran's Qanats – the “Veins of the desert”, & Madani, Kaveh (2014), Water management in Iran: what is causing the looming crisis?, J Environ Stud Sci DOI 10.1007/s13412-014-0182-z, Available At: http://www.kysq.org/docs/Madani_Iran.pdf

۳. البته بیشتر تحقیقات و پژوهش‌هایی که پیرامون اصلاحات ارضی صورت گرفته از زاویه تأثیر آن بر انقلاب اسلامی بوده و بسیاری اصلاحات ارضی را موجب پدید آمدن طبقه حاشیه نشین شهرها که بعدها پیاده نظام انقلاب گردیدند می‌دانند: برای اطلاعات بیشتر ن. ک. به: آبادیان، حسین (۱۳۹۷)، اصلاحات ارضی و تبعات اجتماعی مهاجرت روستائیان به شهر تهران، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پاییز و زمستان، سال هشتم، شماره ۲؛ آبادیان، حسین و دیگران (۱۳۹۶) تبعات اجتماعی گسترش طبقه متوسط جدید در ایران (۱۳۵۷-۱۳۴۲)، تاریخ اسلام و ایران، زمستان شماره ۳۶؛ برزین، سید صاحب؛ علی صوفی، علی رضا (۱۳۹۵)، واکاوی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در فارس، گنجینه اسناد، بهار، شماره ۱۰۱؛ ابوالحسن تنهایی، حسین و دیگران (۱۳۹۲)، بررسی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در ایران و تأثیر آن بر ساختار سیاسی دهه ۵۰ خورشیدی، علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)، تابستان، شماره ۲۱؛ آغابلی، امیر؛ حسن نژاد، زمانه (۱۳۹۱)، اصلاحات ارضی و تأثیر آن بر رشد گفتمان اسلام شیعی، پژوهش در تاریخ، زمستان، شماره ۹.

عمیق، منجر به حفر چاه توسط کشاورزان و زمین داران خرده پا و افزایش مصرف آب‌های زیرزمینی گردید. به نحوی که بین خرد و پراکندگی زمین‌های زراعی و تعداد حلقه‌های چاه و میزان برداشت آب رابطه مستقیمی برقرار گردیده و نتیجه آن بحران آب فعلی شده است. امروزه کشور ایران درگیر بحران آبی است که به اذعان برخی به تنش بدل شده و از همین رو تنش آبی به عنوان سومین تهدید جدی کشور در شورای امنیت ملی اعلام شده است (رابعی غلام، ۱۳۹۵). وضعیت کنونی آب در ایران محصول سال‌ها تصمیم و مدیریت نامناسب بر اساس درک نادرستی از مفهوم توسعه بوده و خشک‌سالی ایران از نوع «خشک‌سالی انسانی» یا «خشک‌سالی اقتصادی-اجتماعی» است که به خاطر بیشتر شدن تقاضای آب از توان منابع آبی کشور رخ داده است (Madani & Other, 2016: 997-1016). بحران آب امروزی معلولی چند علتی است که به باور نویسندگان، یکی از علل آن ریشه در اصلاحات ارضی دارد. در چرایی اصلاحات ارضی باید متذکر شد که؛ در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی بسیاری از نظریه پردازان توسعه^۱ در اهمیت اصلاحات ارضی به عنوان پیش شرط اساسی رشد و توسعه توافق دارند. اصلاحات ارضی به عنوان کوششی تعریف شده است که پیکره و چارچوب نهادی کشاورزی را در مسیر پیشرفت اجتماعی و اقتصادی قرار می‌دهد (کاجیل؛ جاکوبی، ۱۳۶۳: ۳۲) و شیوه زمین‌داری، ساخت طبقاتی و شیوه‌های تولید کشاورزی را متحول کرده و به اخذ تصمیم در مورد تقسیم دیگر وسایل تولید کشاورزی مانند آب و امثال آن نیز می‌انجامد. موارد زیر به عنوان اهداف اصلاحات ارضی اعلام می‌شود: ۱- بالا بردن قدرت خرید زارعان، ۲- پیدا کردن بازار برای تولیدات صنایع شهری، ۳- افزایش محصولات کشاورزی و ۴- استفاده از نیروی کار اضافی روستاییان در صنایع شهری (خسروی، ۱۳۵۵: ۱۵۳). از همین رو، کشورهای جهان با داشتن نظام‌های مختلف حکومتی، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف برای دستیابی به اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی اقدام به این عمل کرده‌اند (تودارو، ۱۳۶۴: ۴۵۳).

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص بنگرید به: دورنر، پیتز (۱۳۵۶)، اصلاحات ارضی و توسعه اقتصادی، ترجمه احمد کریمی، تهران: انتشارات امیرکبیر؛ میردال، گونار (۱۳۶۶)، درام آسیایی، پژوهش درباره فقر ملت‌ها، ترجمه منوچهر امیری، تهران: انتشارات امیرکبیر

در ایران در دهه ۴۰ شمسی با روی کار آمدن امینی و انتصاب حسن ارسنجانی به وزارت کشاورزی، در ۲۴ آبان ۱۳۴۰، شاه فرمانی خطاب به نخست‌وزیر صادر کرد که در آن مواد برنامه جدید اصلاحات با تأکید بر کشاورزی تشریح شده بود (آوری، ۱۳۷۹: ۱۴۷). ارسنجانی وزیر وقت کشاورزی که اجرایی شدن قانون اصلاحات ارضی به همت وی صورت گرفت، در مصاحبه‌ای در زمان شروع برنامه، ایجاد طبقه زارعان مرفه را از جمله اهداف این قانون برمی‌شمارد (خسروی، ۱۳۵۵: ۱۵۳). در این ایام، کل دستگاه تبلیغاتی حکومت در اختیار برنامه اصلاحات ارضی قرار گرفت. ارسنجانی تبلیغات و بدگویی تندی بر ضد مالکین بزرگ و کوچک به راه انداخت؛ با تشویق و حمایت حکومت، روستائیان اقدام به تصرف زمین ملاکین و اخراج آن‌ها از روستا نمودند (مجدد، ۱۳۸۴: ۱۳).

در پاسخ به سؤال این که چرا و چگونه تغییر در نهاد مالکیت که با اصلاحات ارضی آغاز گردید؛ بر بحران آب فعلی اثرگذار است باید اعلام کنیم که، بدون شک بخش‌های مختلف در هر اقتصاد، دارای روابطی از نوع تأثیر گذاری و تأثیر پذیری هستند و البته از سیاست‌های اجرایی نیز تأثیر می‌پذیرند؛ لذا هر چند اصلاحات ارضی، حقوق مالکیت را تنها در بخش کشاورزی تغییر می‌دهد؛ اما این تغییر به سبب روابط متقابل و گسترده‌ای که بخش کشاورزی با سایر بخش‌ها از جمله میزان استفاده از منابع آبی دارد؛ منجر به تغییرات گسترده در میزان استفاده از منابع آبی شده است. برای تأیید فرضیه این تحقیق که همانا تأثیر تغییر در نهاد مالکیت بر بحران آبی فعلی است، از چارچوب نظری نهادگرایی بهره‌جسته‌ایم که در ادامه به آن اشاره خواهیم داشت.

چارچوب نظری

در بررسی اصلاحات ارضی و تأثیر آن بر بحران آب فعلی می‌توان از نظریه‌های مختلفی بهره برد، اما به باور نویسندگان، چارچوب نظری نهادگرایی جدید بهتر افاده مقصود این مقاله را می‌نماید. اینکه نهادها بر عملکرد اقتصادی تأثیر می‌گذارند چندان جدال‌برانگیز نیست و همگان کمابیش آن را پذیرفته‌اند. این نکته نیز چندان محل منازعه نیست که عملکرد متفاوت اقتصادها در طول زمان اساساً متأثر از تغییر و تحول نهادها است. باوجوداین، نه نظریه

اقتصادی معاصر و نه تاریخ‌نگاری بر پایه اعداد و ارقام، هیچ‌کدام نقش نهادها در عملکرد اقتصادی را به حساب نمی‌آورند. آنچه پشتوانه چارچوب نظری نهاد‌گرایی جدید است، یک تحلیل تاریخی عمیق و درخشان از دگرگونی اقتصادی نظام‌های سیاسی - اجتماعی در طول تاریخ است. «داگلاس سیسیل نورث» در کتاب «ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی» چیزی بسیار بیشتر از یک گزارش تاریخی ارائه کرده است. نورث در یک تفسیر و تحلیل تاریخی عمیق به کنکاش در ریشه‌ها و بنیان‌هایی پرداخته است که علل اساسی آنچه در سیر تاریخی نظام‌های اجتماعی - سیاسی گذشته به وقوع پیوسته را به ما ارائه می‌کند. به بیان نورث، «نهادها قوانین بازی در جامعه‌اند، یا به عبارتی سنجیده‌تر، قیودی هستند وضع شده از جانب نوع بشر که روابط متقابل انسان‌ها را با یکدیگر شکل می‌دهند. در نتیجه، نهادها سبب ساختار مند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشری می‌شوند، چه این مبادلات سیاسی باشد و چه اجتماعی. مجموعه نهادی عامل اصلی تعیین‌کننده ساختار حقوق مالکیت، ساختار توزیع ثروت، درآمد و رانت است و سازمان حکومت و به‌طور مشخص، قوای اجرایی، قضایی و انتظامی آن ناظر و ضامن اجرای چارچوب نهادی و به‌طور مشخص نهادهای رسمی است (نورث، ۱۳۷۹)

در رویکرد نهاد‌گرایان جدید، نهادها، قواعد بازی‌اند. نهادها الگوهای تعاملی‌اند که بر روابط افراد حاکم بوده و آن‌ها را مقید می‌سازد. تعریف قواعدی که مردم تحت آن قواعد در هر جامعه‌ای تعامل می‌کنند، به‌شدت دشوار است چون قواعدی که به کار می‌رود شامل قوانین مکتوب، میثاق‌های اجتماعی رسمی، هنجارهای غیررسمی رفتاری و باورهای مشترک درباره جهان است. ما اغلب فکر می‌کنیم نهادها محدودیت‌هایی بر رفتار افراد به‌منزله فرد هستند؛ ... اما اغلب برای تبیین رفتار بشر مهم‌تر است که بدانیم نهادها چگونه شکل‌گیری باورها و نظرات افراد درباره این که چگونه سایر مردم رفتار خواهند کرد را هم ساختار مند می‌کند (نورث، ۱۳۸۵). موضوع دیگری که واحد تحلیلی نهاد برای ادبیات اقتصادی به همراه می‌آورد، اهمیتی است که تاریخ در نظریه‌های اقتصادی پیدا می‌کند. تاریخ مهم است؛ اهمیت تاریخ صرفاً به این دلیل نیست که می‌توانیم از گذشته بیاموزیم، بلکه به دلیل آن است که حال و آینده به‌واسطه تداوم نهادهای یک جامعه با گذشته پیوند دارد. گذشته انتخاب‌های

امروز و فردا را شکل می‌دهد و گذشته را فقط در قالب حکایت تحول نهادی می‌توان فهمید (نورث، ۱۳۷۹: ۱۳) از همین رو، اعلام می‌کنیم تغییر در نهاد مالکیت که امری مربوط به گذشته است، به واسطه ایجاد تغییرت دیگری در قوانین، سازمان‌ها و رفتارهای افراد، در بحران آب فعلی ایران تأثیر گذاشته است. بنابراین، نهادگرایی جدید روند آینده اقتصادی و توسعه جوامع را آینده‌ای با انتخاب‌های نامحدود نمی‌داند و با ارائه مفاهیمی همچون وابستگی به مسیر (Path Dependence) و بازدهی فزاینده ماتریس نهادی، تلاش دارد نشان دهد که بدون شناخت گذشته اقتصادی (تاریخ) امکان بهبود عملکرد اقتصادی وجود ندارد. در نظریه نهادگرایی، حقوق مالکیت خود از جمله نهادهای اثرگذار است؛ از این رو، قوانینی که حقوق مالکیت و نظام مالکیت جامعه را هدف قرار دهند، از جمله قوانینی هستند که تغییرات عمده‌ای را در جامعه ایجاد می‌کنند و از این جهت حائز اهمیت هستند. با تعیین مالکیت منابع، تصمیمات متداخل و متضادی گرفته خواهد شد که منجر به انبوهی از برخوردها در میان رقبا خواهد شد. آنگاه جامعه برخی قواعد یا ملاک‌های رقابت را برای حل این برخوردها، تعیین می‌کند (قواعد بازی). این قواعد رقابت، به صورت قوانین، آئین‌نامه‌ها، رسوم و یا نظام‌های سلسله مراتبی جلوه‌گر شده و به عنوان «حقوق مالکیت» شناخته می‌شوند. تا پیش از اصلاحات ارضی، نهاد مالکیت ابزاری در راستای کمک به زمین‌داران بزرگ، ارباب‌ها و خوانین بود و کسر بزرگی از کشاورزان در پرتو قوانین و رفتارهای ناشی از آن از داشتن حق مالکیت بر زمین محروم بودند؛ اما با تغییر در نهاد مالکیت به واسطه اصلاحات ارضی، شاهد تغییر قوانین، سازمان‌ها و حتی رفتار خیل کثیری از مالکین سابق، کارمندان دولتی و کشاورزان هستیم. در واقع، جوهر حقوق مالکیت «حق انحصار» در بهره‌برداری از دارایی است. حقوق مالکیت ابزاری است که جامعه به خدمت می‌گیرد تا به فرد کمک کند تا منطقاً آن انتظاراتی که می‌تواند در ارتباطش با دیگران داشته باشد، شکل دهد. این انتظارات در قالب قوانین، رسوم و دیگر چیزهای جامعه بیان می‌شوند (دمستز، ۱۳۸۱: ۶۰). در حقیقت فرمانروا مجموعه‌ای از حقوق مالکیت را تعریف می‌کند که هدف از طراحی آن، به حداکثر رسانیدن رانت‌های انحصاری هر بخش تفکیک‌پذیر اقتصاد، از طریق نظارت و اندازه‌گیری نهاده‌ها و ستاده‌های آن بخش است (نورث، ۱۳۷۹: ۳۹). نورث

معتقد است کلید فهم تحولات تاریخی، تغییرات نهادی است. وی معتقد است نهادها قوانین بازی در جامعه بوده و قیودی هستند که بیانگر روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگرند (Biswas & Tortajada, 2003). در واقع، با بهره‌گیری از نظریه نهادگرایی جدید می‌توان تأثیر تاریخی اصلاحات ارضی را که سیاست نهاد دولت در تغییر و بازتعریف نهاد مالکیت زمین بود بر بحران آب فعلی نمایان ساخت؛ اما پیش از آن لازم است نگاهی به نهاد مالکیت در پیش از اصلاحات ارضی داشته باشیم.

نهاد مالکیت زمین پیش از اصلاحات ارضی

اکنون لازم است در بررسی نهاد مالکیت زمین در ایران، نگاهی به نهاد مالکیت پیش از اصلاحات ارضی داشته باشیم تا متوجه تغییرات نهادی در حقوق مالکیت پس از اصلاحات ارضی توسط دولت گردیم. پیش از اصلاحات ارضی، نظام ارضی ایران با سه ویژگی: ۱- تمرکز زمین در دست تعدادی مالک غائب؛ ۲- سهم‌بری به‌عنوان شکل غالب اجاره‌داری و ۳- رواج فنون قدیمی و ابتدایی در تولید، مشخص می‌شد (عمید، ۱۳۸۱: ۴۷). در سال ۱۳۴۱، نزدیک به ۶۵ درصد از ساکنان ایران در مناطق روستایی زندگی می‌کردند (ازکیا، ۱۳۷۴: ۲۰۷). و ۶۰،۵۲۰ روستا و ۲۲،۹۳۳ مزرعه وجود داشت که از این تعداد، ۶،۲۳۶ روستا کشاورزی نداشته و متروک بودند، یا مسکن فصلی قبایل کوچ‌نشین می‌شدند و ۲،۰۸۳ روستا هم فقط باغ و تاکستان داشتند. باقی ۵۲،۲۰۱ روستا را، که ۱،۲۳۲ روستا مکانیزه هم شده بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۴: ۲۴۵-۲۴۴؛ آمار روستایی و کشاورزی ایران، ۱۳۶۱: ۱۵۹). در رابطه با نوع مالکیت روستاهای ایران در آن زمان، اطلاعات مربوط به اصلاحات ارضی نشان می‌دهد ۶،۸۸۵ روستای وقفی و در تکفل نهادهای مذهبی بود (Denman, 1978: 273) ۱،۵۳۵ روستا و بخش‌هایی از ۲۴۵ روستای دیگر متعلق به دولت (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۴: ۲۴۴) و نهاد سلطنت هم مالک ۲،۱۶۷ روستا و زمین‌هایشان بود (زونیس، ۱۳۷۰: ۵۵). این نهادها، مالکیت حدود ۲۰ درصد روستاها را داشتند. به‌علاوه، ایران ۲،۲۵۰ مالک خصوصی هم داشت که هر کدام بیشتر از یک روستا داشتند؛ این افراد مالک ۱۱،۷۴۰ روستا بودند. (۲۲ درصد) حدود ۲۰ درصد روستاها برای کشاورزان روستایی بود و باقی ۳۸ درصد

متعلق به ۳۲۰ هزار مالک جزء (Ajami, 1973: 120). البته تخمین‌های دیگری نیز وجود دارد که میزان تمرکز مالکیت بالاتری را در کل کشور نشان می‌دهد. برای مثال از وزیر کشاورزی نقل شده در آستانه برنامه اصلاحات ارضی ۱۷,۰۰۰ روستا به مالکانی تعلق داشت که دارای پنج پارچه آبادی یا بیشتر بودند (سالنامه ایران، ۱۹۶۳: ۳۸۸). هم‌چنین تخمین زده شده است که ۴۰۰ تا ۵۰۰ مالک بزرگ ۵۷ درصد از کل روستاها را در اختیار و تملک خود داشتند (کدی، ۱۳۸۶: ۸۳) و بیشتر مالکان در شهرها زندگی کرده و غالباً دارای فعالیت‌های اقتصادی دیگری بودند و زمین را به خاطر موقعیت اجتماعی و قدرت سیاسی‌اش حفظ می‌کردند و گاهی اوقات هم نسبت به اعطای اعتبارات مصرفی، احداث یا ترمیم نظام‌های آبیاری مزارع و سایر فعالیت‌ها نیز مبادرت می‌ورزیدند (Warriner, 1369: 49)؛ لذا تا پیش از تغییر در نهاد مالکیت، ما شاهد حضور مالکینی هستیم که مالک زمین‌های زیادی هستند و افرادی تحت عناوین مختلف کشاورز، خوش‌نشین و ... بر زمین‌های آن‌ها به انحصار و تملک کار می‌کنند و از همین رو، مراقبت منابع آبی جزو وظایف این زمین‌داران بزرگ است. اما با تغییر نهاد مالکیت، شاهد تغییرات شگرفی در تمام شئون زندگی مالکین، کشاورزان، منابع آبی و اندازه زمین‌های کشاورزی هستیم که بدان‌ها اشاره خواهد شد.

تاریخ اصلاحات ارضی ایران و تغییرات نهادی در حقوق مالکیت

پیش‌نویس لایحه اصلاحات ارضی در سال ۱۳۳۹ به تصویب رسید، بر اساس این قانون، هر مالک ۴۰۰ هکتار زمین آبی و ۸۰۰ هکتار زمین دیم می‌توانست نگاه دارد؛ یا ۶۰۰ هکتار زمین آبی یا ۱۲۰۰ هکتار زمین دیم را به وراثت خود منتقل کنند. هم‌چنین باغ‌ها، زمین‌های جنگلی و زمین‌هایی که دو سال قبل به صورت مکانیزه و با کارگر کشاورزی به زیر کشت رفته بود، از این قانون مستثنا می‌شد. علاوه بر این، مالکان می‌توانستند زمین مازاد خود را باقیمت بالا به کشاورزان یا دولت فروخته و یا آن را برای خود نگاه داشته و به دولت مالیات بپردازند. اما دو سال بعد در دی‌ماه ۱۳۴۱ قانون اصلاحات ارضی رادیکال‌تری مطرح شد (لمبتون، ۱۳۹۴: ۶۳). بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰، در ایران اصلاحات ارضی گسترده‌ای شکل گرفت که طی آن ۵۰ الی ۶۵ درصد از اراضی کشاورزی، باز توزیع شدند (ازکیا؛ غفاری،

۱۳۸۳: ۱۲۶). در این دهه تقریباً ۱,۷ میلیون دهقان یا ۵۸٪ خانوارهای روستایی موفق به دریافت زمین شدند (از کیا، ۱۳۷۴: ۱۱۷). اصلاحات ارضی که در واقع موجب تغییر در نهاد مالکیت گردیده بود، بانی پدید آمدن طبقه وسیعی از مالکان خرده‌پا گردید که میزان دارایی آن‌ها به‌طور متوسط چهار هکتار بود. همین مقدار زمین نیز معمولاً به شکل قطعات متعدد و پراکنده به کشاورزان رسید، زیرا نص صریح قانون اصلاحات ارضی در مرحله اول زمین‌ها از نظر جنس خاک و دسترسی به آب باید به‌طور یکسان بین کشاورزان توزیع گردد. این پراکندگی به قطعات متعدد و کوچک هنوز هم یکی از تنگناهای توسعه کشاورزی و منابع آبی در ایران است (علی‌اکبری، ۱۳۸۲). با اندکی توجه می‌توان آثار تغییرات نهادی حقوق مالکیت را بر تعدد و پراکندگی زمین‌های کشاورزی که پیش‌ازین به‌صورت متمرکز و در دست مالکین معدودی قرار داشت، مشاهده کرد. البته اصلاحات ارضی در چندین مرحله انجام شده است که در ادامه به مراحل اصلاحات ارضی اشاره می‌شود.

مرحله اول اصلاحات ارضی از ۱۳۴۱ آغاز و در مهرماه ۱۳۴۳ به پایان رسید. نتیجه این مرحله عبارت است از خرید و واگذاری تعداد ۱۶,۰۰۰ ده که حدود ۱۹,۵ درصد کل اراضی قابل کشت از مالکان و واگذاری بین ۷۵۳,۴۰۶ رعیت، که تنها حدود ۲۰ درصد خانوارهای ایران را در بر گرفت (کاتوزیان، ۱۳۶۶، ۲۰۰). طبق آمار منتشره ۱,۱۰۰ ده به علت آنکه کاملاً با وسایل ماشینی زراعت می‌شدند، در ردیف مستثنیات مرحله اول اصلاحات ارضی قرار گرفتند. ۱,۵۰۰ مالک دیگر، مقرر به باغات میوه را انتخاب کردند و این موضوع نشان می‌دهد که چرا ناگهان بازده پسته و سیب به نسبت ۶۰۰ درصد در فاصله سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۶۰ افزایش یافت (هالیدی، ۱۳۵۸: ۱۲۰). یکی از نکات کلیدی نهادگرایی جدید این است که نهادها نحوه عمل افراد را مشخص و گاه تغییر می‌دهد و از همین رو در پی تغییرات در نهاد مالکیت توسط دولت، افراد با تغییر فعالیت خود از کشاورزی به باغداری درصدد حفظ بیشتر مالکیت خود برآمده و همین امر در طول تاریخ بر منابع آبی تأثیر گذارد. علاوه بر این، مالکین می‌توانستند یک ده شش‌دانگ یا شش‌دانگ پراکنده در دهات مختلف را به انتخاب برای خود نگه دارد. در این مرحله شاهد هستیم که طبق چارچوب مورد استفاده

در تحقیق، تغییر در نهاد مالکیت خود موجب بروز تغییراتی در رفتار افراد شده و همین موضوع موجب شد تا مالکین حاصلخیزترین اراضی را در اختیار گیرند و بدترین و کم آب‌ترین آن‌ها را واگذار کنند (خسروی، ۱۳۶۰: ۱۶۷). این عمل مالکین موجب گردید که مالکین جدید برای بهره‌برداری از زمین‌های جدید خود به فکر حفر چاه باشند که با رواج ابزار حفر چاه، شاهد رواج حفر چاه هستیم. در مرحله اول ۳,۹۹۲ روستای تحت مالکیت خصوصی و ۱,۵۳۵ روستای تحت مالکیت دولت، تماماً به زارعین واگذار شد و بقیه روستاها مشمول مرحله دوم اصلاحات ارضی شدند (مجید، ۱۳۸۴: ۲۹).

مرحله دوم اصلاحات ارضی در اسفند ۱۳۴۲ به تصویب رسید. به موجب این قانون مالکانی که زمین خود را به کشاورزان اجاره داده یا همراه کشاورزان یک واحد زراعی را تشکیل داده بودند، موظف به فروش زمین‌ها به اجاره‌داران شدند یا آنکه آن را میان خود و کشاورزان تقسیم کنند؛ یا مشمول یکی از ۵ روش زیر شوند: ۱- زمین و آب را طی توافقی دوجانبه یا تحت شرایطی برابر با شرایط مرحله اول به مستأجرانش بفروشد؛ ۲- بر مبنای میزان سهم هر طرف از محصول، زمین و آب را با مستأجرها قسمت کند، به این شرط که مستأجران راضی باشند؛ ۳- حق زراعت کشاورزان را بخرد، به این شرط که کشاورزان راضی باشند و میزان زمین‌های مالک هم از حد مشخصی فراتر نرود (۲۰ تا ۱۵۰ هکتار، بسته به منطقه)؛ ۴- زمین را به مدت سی سال اجاره بدهد به کشاورزان، بر مبنای رقم اجاره سه سال گذشته و حق تغییر رقم هر پنج سال یک‌بار؛ ۵- همراه با مستأجرانش یک شرکت سهامی عام تأسیس کند. این قانون هم‌چنین تصریح می‌کرد زمین‌های وقفی تحت تکفل نهادهای مذهبی به مستأجرانشان اجاره ۳۰ یا ۹۹ ساله داده می‌شوند (خدای‌زاده، بی تا: ۳).

در مرحله دوم اصلاحات ارضی که از سال ۱۳۴۳ آغاز و تا پایان ۱۳۴۵ ادامه یافت و اکثر باقی‌ماندگان صاحب نسق را در برمی‌گرفت؛ ۸۰ درصد از زمین‌های مشمول اصلاحات ارضی به اجاره‌داری واگذار شدند. در این مرحله ۴۰ هزار روستا و ۲۱,۹۱۲ مزرعه تحت پوشش اصلاحات ارضی قرار گرفتند و حدود ۲۲۷,۴۹۰ مالک، زمین‌هایشان را به ۱,۲۴۶,۶۵۲ زارع اجاره دادند. با اجرای شق دوم این قانون، یعنی فروش زمین به زارع،

۵۷,۱۶۴ زارع، زمین خود را از ۳,۲۷۵ مالک خریداری کردند و حدود ۱۵۶,۲۷۹ زارع قطعات کوچک زمین به‌دقت آوردند. (کاتوزیان، ۱۳۶۶: ۱۱۷) طبق اطلاعات ارائه‌شده از سوی وزارت کشاورزی، تعداد ۳۱۱,۵۳۱ مالک غیر زارع و ۷۸۴,۸۸۲ مالک زارع در مرحله دوم، مشمول اصلاحات ارضی شدند (مجد، ۱۳۸۴: ۱۸). نتایج اعلام‌شده رسمی (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۳: ۲۹۸) نشان می‌دهند ۳۱۱,۵۳۱ مالک، ۱,۵۲۲,۱۷۸ مستأجر زمین‌های خصوصی و ۱۷۳,۱۰۴ مستأجر زمین‌های وقفی مشمول مرحله دوم اجرای طرح شدند. نهایتاً وضعیت حقوقی ۷۹۳,۸۷۱ مالک، از جمله ۱۲۴,۲۰۹ نیمه مالک نیمه مستأجر و ۳۴,۳۴۸ مالکی که زمین‌هایشان را تقسیم کردند یا حق زراعت خریدند، مشخص شد.

مرحله سوم اصلاحات ارضی، در این مرحله بر طبق قوانین الحاقی سال ۱۳۴۸ تنها دو راه به مالکان پیشنهاد گردید: ۱- زمین زراعی میان مالکان و اجاره‌داران به نسبت بهره مالکانه نفر اول تقسیم شود؛ ۲- زمین به رعایا فروخته شود (از کیا، ۱۳۷۴: ۲۱۲). طبق قانون مرحله سوم اصلاحات ارضی، حدود یک میلیون و سیصد هزار خرده‌مالک از مالکیت زمین خود محروم شدند و ملک آن‌ها بین یک میلیون و ششصد هزار رعیت تقسیم گردید (مجد، ۱۳۸۴: ۴۱). این مرحله از اصلاحات ارضی عملاً با خط‌مشی‌ها و نوسازی دولت در کشاورزی توأم شد. به‌طوری‌که سه بخش مجزا در این مرحله قابل تفکیک است: ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی، فروش زمین‌ها و اجاره‌داری. البته برخی این مرحله را نه جزئی از اصلاحات ارضی، بلکه بخشی از استراتژی شبه مدرنیست استبدادی که کشاورزی را مختل کرده است می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۶۶: ۱۱۷). هم‌چنین در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۰، قانونی معروف به «قانون فروش موقوفات عمومی» به‌منظور فروش زمین‌های تحت تکفل نهادهای مذهبی و مشمول اجاره‌های ۹۹ ساله به مستأجرانشان تصویب شد. اطلاعات مربوط به برنامه اصلاحات ارضی نشان می‌دهند ۳۵,۴۰۶ مالک، زمین‌هایشان را با ۱۰۶,۳۱۸ کشاورز تقسیم کردند و ۳۲۲,۳۱۸ مالک زمین‌هایشان را به ۱,۰۹۴,۲۶۹ کشاورز فروختند (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۴: ۲۴۶)، که یعنی در مجموع ۱,۲۰۰,۵۸۷ نفر در مرحله سوم زمین دریافت کردند (مهدوی، ۱۳۶۱: ۶۵).

بررسی نهاد مالکیت پس از اصلاحات ارضی

نسبت کشاورزان مستقل به نسبت جمعیت روستایی که پیش از اصلاحات ارضی کمتر از ۵ درصد بود، پس از اصلاحات ارضی به ۷۶ درصد جمعیت روستایی رسید (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۵۲۷). از آمار مربوط به کشاورزی سال ۱۳۵۳ معلوم شد ۶/۹۰ درصد زمین‌های زراعی و ۲/۹۸ درصد کل زمین‌های کشور، به‌دقت مالکانشان اداره می‌شوند (آمار روستایی و کشاورزی ایران، ۱۳۶۱: ۱۸۵). هرچند اصلاحات ارضی تعداد کشاورزان دارای زمین را افزایش داد، اما نتوانست به آنان زمین کافی دهد تا به کشاورزانی توانا و متکی‌به‌خود تبدیل شوند (آموزگار، ۱۳۷۶: ۳۲۱). میانگین مساحت مزرعه در سال ۱۳۵۳، ۶/۶ هکتار بود و ۳۷ درصد زمین‌ها هم در شرایط کم‌آبی بودند (آمار روستایی و کشاورزی ایران، ۱۳۶۱: ۱۸۵).

جدول تعداد مالکان و میزان وسعت اراضی آن‌ها پس از اصلاحات ارضی

تعداد مالکان برحسب مساحت زمین پس از اصلاحات ارضی		تعداد مالکین اراضی پس از اجرای اصلاحات ارضی	
تعداد مالکان	مساحت زمین	دهقانی که صاحب زمین شدند	مرحله اصلاحات ارضی
۱,۳۵۰	بیشتر از ۲۰۰ هکتار	۲,۱۰۰,۰۰۰	سهم بران قبل از اصلاحات ارضی
۴۴,۰۰۰	۲۰۰-۵۰ هکتار	۷۵۳,۰۰۰	مرحله اول
۱۵۰,۰۰۰-۶۰۰,۰۰۰	۱۰-۵۰ هکتار	۲۱۳,۰۰۰	مرحله دوم
۷۰۰,۰۰۰	۵-۱۰ هکتار	۸۰۰,۰۰۰	مرحله سوم
۷۰۰,۰۰۰	۲-۵ هکتار	۱۷۲,۰۰۰	موقوفه‌هایی که اجاره بلندمدت داده شدند
۱,۰۰۰,۰۰۰	کمتر از ۲ هکتار	۱,۹۳۸,۰۰۰	جمع دهقانان صاحب زمین شده
۱۴۰,۰۰۰	افراد بدون زمین		

منبع: فوران، جان (۱۳۸۳)، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، انتشارات

نهاد مالکیت پس از انقلاب اسلامی

یکی از ویژگی‌های بارز چند سال اول انقلاب که تا اواسط دهه ۶۰ ادامه داشت، تصرف و باز توزیع اراضی بود (بیات، ۱۳۷۹). در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به سبب انتظارات ایجاد شده در میان قشر روستایی و کشاورز در چارچوب شعارهای دوران انقلاب، در مناطق روستایی درگیری بر سر تصرف اراضی همه را به خود مشغول کرده بود؛ جمعیت دهقانی و روستایی سعی داشتند زمین‌های بیشتری را از چنگ مالکانی در آورند که به آن‌ها برچسب فرار از زیر اصلاحات ارضی دهه ۴۰ می‌زدند (اشرف، ۱۳۶۱: ۶). در ابتدا نزاع بر سر واحدهای بزرگ تجاری بود که عموماً از بهترین وضعیت آبیاری، تراز زمین و سطح مکانیزه برخوردار بودند. از کشت و صنعت عظیم خوزستان تنها دو واحد و آن هم در مقیاسی بسیار کوچک باقی ماندند و دهقانانی که تنها یک دهه قبل مجبور به واگذاری زمین‌های خود به این واحدهای عظیم شده بودند، بقیه واحدها را به‌صرف خود در آوردند. در سطح کشور از ۹۳ شرکت سهامی بزرگ کشاورزی که تقریباً از ۱,۵ میلیون هکتار اراضی کشاورزی ممتاز برخوردار بودند، تنها پنج واحد باقی ماند و بقیه واحدها به همراه دارایی‌های سرمایه‌ای‌شان، میان کشاورزان سهام‌دار تقسیم شد. مزارع بزرگ خصوصی نیز که صاحبان آن‌ها به نوعی در ارتباط با رژیم پهلوی بودند در آذربایجان، قزوین، فارس، خوزستان، مازندران و دیگر نقاط کشور مصادره و باز توزیع شد (ازکیا، ۱۳۷۴: ۲۶۵-۲۱۶). علاوه بر دخل و تصرف‌های محلی، نظام جدید کوشش کرد تا مجموعه‌ای از اصلاحات ارضی جدید را به اجرا بگذارد. این سیاست‌های اصلاح ارضی به دلیل مخالفت روحانیون محافظه‌کار، در انتها با توزیع آنچه بیشتر زمین‌های دولتی بود (نظیر مراتع، جنگل‌ها و اراضی بایر) و تعیین سقف مالکیت در هر محل، که منجر به باز توزیع برخی از زمین‌های خصوصی مالکان بزرگ باقی‌مانده شد، به اتمام رسید. در نتیجه این کشاکش‌ها تا اواسط دهه ۶۰ تقریباً ۸۰۰,۰۰۰ هکتار یا تنها ۵ درصد کل زمین‌های کشاورزی بین ۱۲۰,۰۰۰ کشاورز توزیع شد. نتیجه اصلاحات ارضی دهه ۶۰ از بین بردن کشاورزی سرمایه‌داری خصوصی در مقیاس بزرگ و تبدیل آن به مزارع متعدد

و کوچک بود (اشرف، ۱۳۶۱).

نگاهی به آخرین آمارها در خصوص توزیع زمین در سال اول انقلاب نشان می‌دهد که ۱,۶۰۱,۰۰۰ خانوار، زمینی برابر با ۲,۴۳ میلیون هکتار در اختیار داشتند و در مقابل ۹,۵۰۰ خانوار، مالک ۲,۴۵ میلیون هکتار زمین بودند. لذا پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از اصلی‌ترین مسائل که برای حل مشکلات و معضلات روستاهای ایران احساس می‌شد، حل مسئله مالکیت زمین بود تا از این طریق بتوانند دگرگونی‌های لازم را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در روستاهای ایران ایجاد نمایند (کمیته تحقیق و پژوهش مجتمع دانشگاهی علوم اداری و بازرگانی، ۱۳۶۱: ۱۷). در ادامه همین سیاست‌ها، شاهد تشکیل «شورای کشت» و تهیه و تصویب قانون نحوه واگذاری اراضی در جمهوری اسلامی ۱۳۵۸/۰۶/۲۵ هستیم؛ که قادر به حل بحران اراضی نبود و عملاً این بحران ادامه یافت و حتی از برخی منظرها بر شدت آن نیز افزوده شد. همان‌طور که در نهادگرایی جدید نیز اعلام می‌شود: نهادها ضرورتاً یا حتی معمولاً به این منظور ساخته نمی‌شوند که به لحاظ اجتماعی کارآمد باشند؛ بلکه نهادها، یا دست‌کم قوانین رسمی، به این منظور ایجاد می‌شوند تا در خدمت منافع کسانی باشند که برای طرح قوانین جدید قدرت چانه‌زنی دارند (نورث، ۱۳۷۹). طرفین درگیر در این بحران سعی در حفظ منافع خود داشتند، به‌نحوی که دهقانان، کشاورزان و خوش‌نشینان کم‌زمین و بدون زمین با ارسال طومارها و انجام راهپیمایی و تظاهرات خیابانی مصرحاً خواستار اجرای هر چه سریع‌تر اصلاحات ارضی و واگذاری زمین شدند و از سوی دیگر مالکان با ارسال شکوائیه‌های گوناگون به علما، روحانیون و مراجع تقلید با دلیل محترم بودم اصل مالکیت در اسلام، خواهان الغای اصلاحات رژیم گذشته شدند (محمودزاده، بی‌تا: ۲۱). لذا هرج‌ومرج حاکم بر روستاها، موجب طرح نظریه مالکیت مشروع و محدود شد. در مورد مالکیت مشروع اختلاف زیادی میان موافقان و مخالفان وجود نداشت؛ بلکه در مورد محدودیت برای مالکیت مشروع بود که بر اساس قاعده تسلیط و احکام دیگر فقه اسلامی صورت می‌گرفت. بر این اساس، اسلام اساساً مالکیت را محدود کرده است؛ مالکیت محدود است به «لا ضرر و لا جرح» و اینکه وجوه شرعی آن چون خمس و زکات و سایر مالیات‌های

آن پرداخت گردد. لذا در چنین مواردی حاکم شرع این ولایت را دارد که مثلاً از هزار هکتار زمین یک مالک ۹۰۰ هکتار آن را بگیرد و به افراد نیازمند بدهد و ۱۰۰ هکتارش را به خودش واگذارد. این نظریه را «رضا اصفهانی» معاون وقت وزارت کشاورزی مطرح و به امام ارجاع شد و رسیدگی به این مسئله از جانب ایشان به آیت‌الله منتظری، مشکینی و بهشتی محول گردید (بافکر و دیگران، ۱۳۶۳: ۷۲). آن‌ها نیز پس از پیگیری و بررسی مسئله، سرانجام طرحی تحت عنوان «طرح واگذاری زمین» تهیه کردند که در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲۶ به تصویب شورای انقلاب رسید. پس از تصویب طرح، اجرای آن به عهده «ستاد واگذاری زمین» محول شد. بر اساس قانون واگذاری و احیای اراضی مصوب ۲۶ فروردین سال ۱۳۵۹، اراضی مدنظر در این قانون چهار قسمت هستند:

الف- اراضی موات و مراتع، **ب-** اراضی آباد شده توسط افراد و شرکت‌ها که دادگاه صالح اسلامی به استرداد آن‌ها حکم داده است. اراضی که به حکم دادگاه مسترد می‌گردد به دو گروه زیر تقسیم می‌شود:

ج- اراضی بایر که قبلاً دایر بوده و برحسب ملاک‌های رژیم قبلی ملک اشخاص و موسسه شمرده می‌شده است.

د- اراضی دایر: زمین‌هایی که احیاء شده و مستمراً مورد بهره‌برداری است.

۱. برای اطلاعات بیشتر ن.ک به: مکاسب (رساله لا ضرر)، (چاپ طاهر) ۳۷۴؛ موسوی بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیه، ج ۱، ۱۸۱؛ بحار الانوار، ج ۱۰۷، ۱۰۸.

۲. برای واگذاری و تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی قوانین زیر وضع و تصویب شده‌اند: ۱. لایحه قانونی نحوه واگذاری و احیای اراضی، مصوب ۱۳۵۸/۱۲/۸، ۲. لایحه قانونی اصلاح قانون نحوه واگذاری و احیای اراضی، مصوب ۱۳۵۸/۱۲/۱۱، ۳. لایحه قانونی اصلاح قانون نحوه واگذاری و احیای اراضی، مصوب ۱۳۵۸/۱۲/۲۸، ۴. لایحه قانونی اصلاح قانون نحوه واگذاری و احیای اراضی، مصوب ۱۳۵۹/۱/۲۶، ۵. لایحه قانونی نحوه واگذاری اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۹/۶/۲۵، ۶. طرح قانون کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی (طرح احیا و واگذاری اراضی مزروعی)، ۷. قانون واگذاری زمین‌های دایر و بایر که بعد از انقلاب به صورت کشت موقت در اختیار کشاورزان قرار گرفته است، مصوب ۱۳۶۵/۸/۸. البته قانون مصوب ۱۳۵۹/۱/۲۶ شورای انقلاب که بخش‌هایی از آن یعنی بندهای «ج» و «د» آن فقط به صورت محدود به اجرا درآمدند و قانون اراضی کشت موقت مصوب ۱۳۶۵/۸/۸ مجلس شورای اسلامی که طی اجرای آن ۸۰۰ هزار هکتار اراضی کشت موقت میان روستائیان که در آنها کار می‌کردند توزیع شد، از اهمیت بیشتری برخوردارند؛ زیرا این دو قانون به اجرا درآمدند و با اجرای آن، اثرات اقتصادی و اجتماعی به‌جا ماند و تا حدی نحوه توزیع اراضی و نظام‌های بهره‌برداری دگرگون شد.

اراضی دایر بزرگ: این گونه زمین‌ها به زعم این قانون به دو صورت به ملکیت صاحبان آنها درآمده است:

۱. تصرف اراضی از راه مشروع و صحیح

۲. تصرف اراضی از راه‌های غیر مشروع

مطابق ماده ۲ این قانون اراضی بند «الف» و «ب» در اختیار حکومت اسلامی است و حکومت موظف است با رعایت مصالح جامعه، حدود نیاز و توانایی اشخاص بهره‌برداری از آنها را به افراد و یا شرکت‌ها واگذار کند و یا در مواردی که مصلحت جامعه ایجاب می‌کند به کارهای عام‌المنفعه اختصاص دهد. در مورد بند «ج»، دولت با رعایت ضوابطی که در مورد بند «د» خواهد آمد نخست به صاحبان آنها اولویت می‌دهد تا به عمران آنها پردازند و اگر اقدام نکردند، آنها را در اختیار خود می‌گیرد تا کشت و بهره‌برداری از آنها را به افراد واجد شرایط واگذار کند (قربانی، ۱۳۷۱: ۴۱۶-۴۱۴).

ارزیابی نتایج سیاست تقسیم زمین در جمهوری اسلامی

در خصوص نتایج عملی اصلاحات ارضی در جمهوری اسلامی، باید نگاهی بیندازیم به عملکرد هیئت‌های هفت‌نفره، چراکه اجرای قانون اصلاحات ارضی در جمهوری اسلامی ایران بر عهده این هیئت بوده است. روند کار این هیئت‌ها بر این اساس بود که پس از تشخیص موات بودن زمین توسط حاکم شرع و پس از آنکه قابلیت‌های مختلف اراضی شناسایی شد، استعلام‌های لازم از دستگاه‌های مربوطه از جمله ثبت و جنگل‌بانی در ارتباط با بلا مانع بودن و واگذاری از نظر مالکیت و نیز استعلام از امور آب مناطق برای تأمین آب کشاورزی و احیاناً حفر چاه و مشخص شدن میزان استحصال آب و نظایر آن، گرفته می‌شد و سپس اقدام به واگذاری زمین و صدور سند می‌کرد!

بر اساس گزارشی که از سوی هیئت‌ها منتشر شده است، کل اراضی واگذاری از سوی آنها تا شهریور ۱۳۶۲، به مقدار ۶۹۱,۶۹۹ هکتار اعلام شد؛ به استثنای اراضی کشت موقت

۱. نگرشی بر مسئله زمین و فعالیت هیئت‌های ۷ نفره واگذاری زمین در آئینه آمار (۱۳۶۶)، ستاد مرکزی هیئت‌های هفت نفره، ۱.

ستاد مرکزی هیئت‌ها و هیئت‌های هفت‌نفره، ۱۳۶۶). از این مقدار زمین، درصد بالایی را اراضی موات تشکیل می‌داد (حدود ۷۵٪). در این سال‌ها فعالیت‌های هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین، تنها محدود به تقسیم اراضی بندهای «الف» و «ب» قانون مصوب ۱۳۵۹/۱/۲۶ باقی ماند. بندهای «الف» و «ب» مربوط به اراضی مصادره‌ای و موات است. اراضی مصادره‌ای که مساحتشان چندان زیاد نبود و اراضی موات هم که به دلیل کمبود امکانات و کم‌بازدهی این اراضی، فعالیت در احیا و واگذاری آن‌ها چندان چشمگیر نبود. در نتیجه، توجه بیشتر متوجه اراضی کشت موقت بود (صندوق مطالعاتی نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران، ۱۳۷۱: ۸۴). درخواست‌های متعددی برای تعیین تکلیف این اراضی طرح شد، تا اینکه سرانجام در آبان سال ۱۳۶۵ قانون واگذاری اراضی کشت موقت به تصویب رسید و تقسیم این اراضی که بالغ بر ۸۰۰,۰۰۰ هکتار بود؛ شروع شد. تا این تاریخ کل اراضی مشمول اصلاحات ارضی بدون احتساب اراضی کشت موقت ۶۵۵,۰۲۲ هکتار بوده است و با احتساب اراضی کشت موقت که پس از تصویب قانون ۱۳۶۵/۸/۸ اراضی کشت موقت، واگذاری آن شروع شد؛ اراضی مشمول اصلاحات ارضی تا شهریور ۱۳۶۵ به ۱,۵۰۵,۰۲۴ هکتار رسید (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۷۰: ۳۱۱).

بر اساس گزارش عملکرد هیئت‌های هفت‌نفره در سال ۱۳۶۱، یعنی پس از گذشت چهار سال از انقلاب اسلامی ۲,۶۶۰,۰۰۰ بهره‌بردار با زمین، در کشور وجود داشتند. از مجموع این طبقات بهره‌بردار، حدود ۳۳,۵٪ کمتر از ۱ هکتار، ۱۵,۲۵٪ بین ۵ تا ۱۰ هکتار و کلاً ۸۷٪ از بهره‌برداران کمتر از ۱۰ هکتار زمین در اختیار داشتند. متوسط زمین هر بهره‌بردار که در سال ۱۳۵۳، ۶,۶۲ هکتار و تقریباً برابر با واحد تولیدی سنتی (جفت) بود (غیر از استان‌های گیلان و مازندران) در سال ۱۳۶۱ به ۴,۹۲ هکتار رسید. بنابراین با فشار و تمرکز هر چه بیشتر انسان‌ها بر اراضی مزروعی، بهره‌برداری‌ها تا حدودی خرد و غیراقتصادی‌تر شد و البته توزیع زمین بین بهره‌برداران همچنان ناکافی بود (ملکانیان، ۱۳۶۵: ۸۲).

بر اساس آمارهای منتشرشده از سوی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۶۷ جمعیت بالغ‌بر ۹۷۹,۰۰۰ خانوار روستایی (۳۹,۶٪ از کل بهره‌برداران) تا دو هکتار زمین در اختیار داشتند که ۳,۸٪ از کل اراضی مزروعی کشور را شامل می‌شد. هم‌چنین ۱,۵۰۰,۰۰۰ خانوار

روستایی نیز بین ۲ تا ۱۰ هکتار زمین کشاورزی در اختیار داشتند که البته این رقم نسبت به ۱۳۵۳ که یک میلیون خانوار بودند، افزوده شده است و ۳۰,۶٪ از کل زمین‌های مزروعی کشور را در اختیار داشتند (لهسایی زاده، ۱۳۶۹: ۱۷۹). گروه دیگر بهره‌برداران همانا کشاورزان ثروتمند بودند که بخش فوقانی جامعه روستایی را تشکیل می‌دادند. اینان از ۱۰ تا ۵۰ هکتار زمین در اختیار دارند که البته پس از انقلاب به تعداد اینان افزوده شده است، اما از حجم زمین آن‌ها کاسته شده است؛ به نحوی که در مقایسه با سال ۱۳۵۳ میانگین اراضی این بهره‌برداران از ۱۷,۵۲ هکتار به ۱۰,۸ هکتار کاهش یافته است (نتایج سرشماری کشاورزی در سال ۱۳۶۱ مرکز آمار ایران). بر اساس آمارهای موجود از عملکردهای هیئت‌های هفت‌نفره مجموعاً ۲۲۰,۰۰۰ خانوار که عموماً هم خوش‌نشین بودند موفق به دریافت زمین -البته به مقدار خیلی کم- شدند.

طبق آمار، تعداد بهره‌برداری‌های دهقانی که قبل از اصلاحات ارضی ۱,۸۸ میلیون بود؛ در سال ۱۳۶۸ تعداد آن‌ها به ۲,۸۰ میلیون افزایش یافت (شرفی، ۱۳۶۸: ۱۱). بر اساس اطلاعات سرشماری کشاورزی سال ۱۳۸۲، از مجموع بهره‌برداری‌های کشاورزی کشور، ۳۴,۶ درصد کمتر از یک هکتار، ۳۷,۹ درصد ۱ تا کمتر از ۵ هکتار، ۲۲,۳ درصد ۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار، ۳,۹ درصد ۲۰ تا کمتر از ۵۰ هکتار و ۱,۳ درصد ۵۰ هکتار و بیشتر بوده است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۸۲). نتایج سرشماری کشاورزی ۱۳۹۲ نیز همین وضعیت را نشان می‌دهد. در این دوره سهم بهره‌برداری‌های کمتر از ۱ هکتار ۳۶,۹ درصد، بهره‌برداری‌های ۱ تا کمتر از ۵ هکتار ۲۸ درصد، بهره‌برداری‌های ۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار ۲۰,۳ درصد، بهره‌برداری‌های ۲۰ تا ۵۰ هکتار ۳,۸ درصد و بهره‌برداری‌های ۵۰ هکتار و بیشتر ۱ درصد کل بهره‌برداری‌ها را به خود اختصاص داده‌اند (مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری کشاورزی، ۱۳۹۲) با توجه به این ارقام، سهم قابل توجهی از کل بهره‌برداری‌های کشاورزی کشور ۵ هکتار و کمتر بوده است که نشان‌دهنده غلبه منطق بهره‌برداری‌های خرد و به‌ویژه پراکنده در کشور است. در صورتی که واحدهای ۵ تا ۱۰ هکتار را هم به درصد‌های فوق اضافه کنیم، سهم واحدهای خرد به بیش از ۸۵ درصد کل بهره‌برداری‌ها خواهد رسید (Haghighat, 2012)، فراموش نکنیم که کشاورزی متکی بر زمین و آب است و آسان‌ترین کار برای

هر کسی که زمینی داشته باشد، این است که چاهی حفر کند (روزنامه شرق، ۱۳۹۶/۶/۴). در همین رابطه، وزارت نیرو عوامل اصلی و مهم افزایش حفر چاه‌های غیرمجاز را تفکیک شدن اراضی و از بین رفتن یکپارچگی زمین‌های کشاورزی، تغییر اراضی از دیمی به آبی و تصرف نهرهای عمومی می‌داند (پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو، ۱۳۹۷/۵/۹). برای اینکه تصویری دقیق‌تر از نتایج اصلاحات ارضی و تأثیر آن بر خرد شدن اراضی داشته باشیم، میزان زمینی را که هر بهره‌بردار مالک آن است، به صورت جدول ارائه می‌دهیم.

تعداد و مساحت بهره‌برداری‌های با زمین بر حسب وسعت اراضی کشاورزی
«واحد: بهره‌برداری - هکتار»

سال ۱۳۹۳	سال ۲۱۳۸۲	سال ۱۳۶۷	
تعداد بهره‌بردار	تعداد بهره‌بردار	تعداد بهره‌بردار	وسعت اراضی
۱,۲۳۸,۱۵۹	۱,۲۰۵,۰۳۲	۷۵۴,۳۰۰	کمتر از ۱ هکتار
۱,۲۷۶,۲۲۱	۱,۳۱۹,۹۶۲	۱,۱۰۷,۶۲۰	۱ تا ۵ هکتار
۶۸۰,۶۹۹	۷۸۶,۳۳۶	۷۸۸,۴۵۰	۵ تا ۲۰ هکتار
۱۲۹,۲۶۵	۱۳۵,۶۴۹	۱۳۶,۳۷۰	۲۰ تا ۵۰ هکتار
۳۵,۰۶۵	۳۳,۷۵۰	۳۱,۳۲۰	۵۰ هکتار و بیشتر

هم‌زمان با خرد و پراکنده شدن زمین‌های زراعی که نتیجه اصلاحات ارضی و تغییر در نهاد مالکیت بود؛ شاهد افزایش تعداد حلقه‌های چاه هستیم؛ جدول زیر تعداد چاه‌ها و میزان برداشت از آب‌های زیرزمینی کشور را طی دوره ۱۳۹۱-۱۳۵۱ و وضعیت بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی کشور را در حوزه‌های اصلی کشور نشان می‌دهد.

۱. صندوق مطالعاتی نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران (۱۳۷۱)، سیمای مالکیت اراضی مزروعی ایران، نشر وزارت کشاورزی، معاونت امور واحدهای تولیدی و کشت و صنعت‌ها، تهران، ۹۷
۲. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی کل کشور، ۱۳۸۲: ۴۳
۳. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی کل کشور، ۱۳۹۳: ۴۵

جدول: تعداد چاه‌ها و میزان برداشت از آب‌های زیرزمینی طی دوره ۱۳۵۱ الی ۱۳۹۱

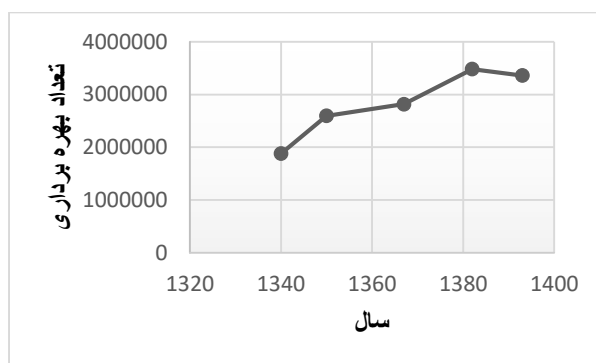
سال آبی	تعداد (حلقه)	برداشت (مترمکعب)
۹۰-۹۱	۷۶۳۶۶۴	۴۷,۱۸۲
۸۹-۹۰	۶۸۸۸۴۰	۴۶,۸۴۴
۸۸-۸۹	۶۴۸۹۱۴	۴۷,۲۳۹
۸۷-۸۸	۶۴۰,۰۸۷	۴۸,۸۳۷
۸۶-۸۷	۶۳۰,۸۲۳	۴۵,۰۵۵
۸۵-۸۶	۶۲۴,۸۳۳	۴۸,۰۰۷
۸۴-۸۵	۵۸۸,۷۴۳	۴۸,۶۲۱
۸۳-۸۴	۵۱۵,۰۹۲	۴۷,۵۳۵
۸۲-۸۳	۴۶۸,۰۴۹	۴۴,۸۵۵
۸۱-۸۲	۴۵۸,۰۶۹	۴۵,۴۱۲
۸۰-۸۱	۴۵۰,۶۵۳	۴۴,۵۵۵
۷۹-۸۰	۴۳۳,۳۹۱	۴۴,۰۲۱
۷۸-۷۹	۴۱۴,۷۳۴	۴۳,۹۸۳
۷۷-۷۸	۴۱۱,۱۸۶	۴۲,۶۵۴
۷۶-۷۷	۳۹۲,۶۹۳	۴۳,۱۵۴
۷۵-۷۶	۳۷۸,۲۶۲	۴۱,۸۶۸
۷۴-۷۵	۳۷۳,۹۵۲	۴۱,۸۷۱
۷۳-۷۴	۳۳۶,۶۶۶	۳۸,۶۵۹
۷۲-۷۳	۳۰۷,۵۵۸	۳۹,۳۳۱
۷۱-۷۲	۲۶۴,۴۴۴	۳۷,۰۳۱
۷۰-۷۱	۲۵۵,۵۲۲	۳۸,۰۳۵
۶۹-۷۰	۲۲۱,۶۹۱	۳۲,۵۵۹
۶۸-۶۹	۱۶۴,۴۲۳	۲۸,۶۰۱
۶۷-۶۸	۵۸۸,۸۸۸	۱۱,۳۵۷
۶۶-۶۷	۴۷۱,۲۸۷	۱۱,۱۱۵

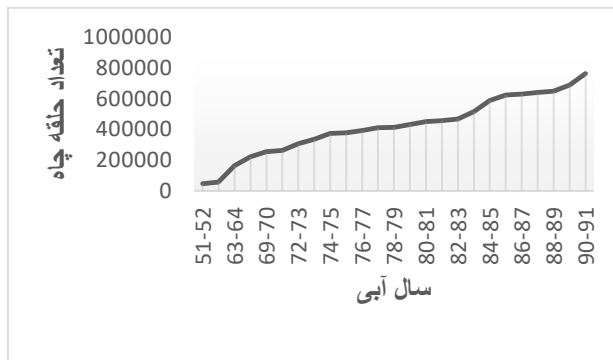
منبع: بحران آب، توهم یا واقعیت (۱۳۹۴)، ویژه بحران آب، ضمیمه اقتصادی روزنامه شرق، ۳۵

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود، تعداد چاه‌های کشور از حدود ۴۷ هزار حلقه در سال آبی ۱۳۵۲-۱۳۵۱ به حدود ۷۶۳ هزار حلقه چاه در سال آبی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ افزایش یافته و میزان برداشت نیز از ۹ میلیارد مترمکعب به بیش از ۴۷ میلیارد مترمکعب رسیده است. به این ترتیب طی این دوره تعداد چاه ۱۶ برابر و میزان برداشت‌ها بیش از ۵ برابر شده است. بعد از اصلاحات ارضی - به ویژه بعد از انقلاب اسلامی - تقریباً هر ساله مقدار تخلیه از منابع آب زیرزمینی از مقدار تغذیه آن‌ها بیشتر بوده و از حجم ذخیره استاتیک آن‌ها کاسته شده است.

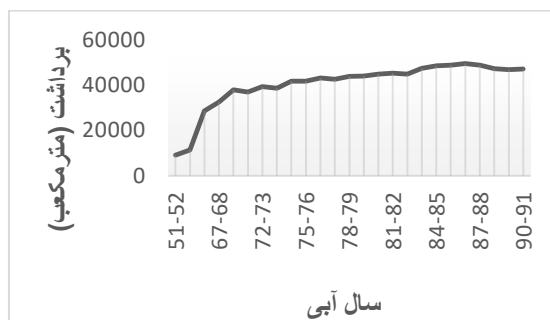
در نمودارهای زیر روند تغییر در نهاد مالکیت (اصلاحات ارضی) بر تعداد بهره‌بردار و

افزایش چاه و تخلیه آب زیرزمینی نشان داده می‌شود:





نمودار شماره ۱: تعداد بهره‌برداران از پیش از اصلاحات ارضی تا ۱۳۹۵ نمودار شماره ۲- تعداد چاه‌های استحصال آب زیرزمینی از سال آبی ۱۳۵۲-۱۳۵۱ تا ۱۳۹۱-۱۳۹۰



نمودار ۳: میزان برداشت از چاه‌های استحصال آب زیرزمینی از سال آبی ۵۲-۵۱ تا ۹۱-۹۰

نتیجه

اکنون می‌توان بیان داشت همان‌طور که فرضیه تحقیق بر این اساس قرار گرفته بود که تغییر در نهاد مالکیت با سیاست اصلاحات ارضی، از جمله عوامل مؤثر در تبدیل مسئله آب به بحران آب بوده است و در پی جویی چرایی و چگونگی این رابطه، با بهره‌گیری از چارچوب نظری نهادگرایی جدید نشان دادیم که پیش از تغییرات نهادی در مالکیت زمین به واسطه اصلاحات ارضی، نظام ارضی ایران با ویژگی اصلی تمرکز زمین در دست تعدادی مالک غائب مشخص می‌شد. اما دولت به‌عنوان کانون قدرت که بر تمامی شئون توزیع منابع اثرگذار است باهدف دستیابی به توسعه، به بازتعریف حقوق مالکیت در حوزه ارضی پرداخت. حقوق مالکیت خود از جمله نهادهای اثرگذار است؛ از این رو قوانینی که حقوق

مالکیت و نظام مالکیت جامعه را هدف قرار دهند، تغییرات عمده‌ای را در جامعه ایجاد می‌کنند. در رویکرد نهادگرایی جدید، دولت با تعریف خاصی از حقوق مالکیت به دنبال به حداکثر رساندن رانت‌های انحصاری هر بخش تفکیک‌پذیر اقتصاد، از طریق نظارت و اندازه‌گیری نهاده‌ها و ستاده‌های آن بخش است. لذا در دهه‌های اصلاحات ارضی و حتی پس از انقلاب، دولت با تعریف نوع جدیدی از حق مالکیت بر اراضی، سعی در ایجاد رانت برای حمایت از قشر تازه‌ای داشت و همین امر در درازمدت منجر به بروز تغییرات شگرفی در حوزه‌های دیگر از جمله میزان بهره‌برداری از منابع آبی و به‌ویژه منابع آب زیرزمینی شد. در آستانه برنامه اصلاحات ارضی ۱۷,۰۰۰ روستا به مالکانی تعلق داشت که دارای پنج پارچه آبادی یا بیشتر بودند یا ۴۰ تا ۵۰۰ مالک بزرگ ۵۷ درصد از کل روستاها را در اختیار و تملک خود داشتند. اما در بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰، در ایران اصلاحات ارضی گسترده‌ای شکل گرفت که طی آن ۵۰ الی ۶۵ درصد از اراضی کشاورزی باز توزیع شدند. در این دهه تقریباً ۱,۷ میلیون دهقان یا ۵۸٪ خانوارهای روستایی موفق به دریافت زمین شدند و حتی برای مالکین شرط محدودیت مالکیت (۲۰ تا ۱۵۰ هکتار) قرار داده شد. در پی اصلاحات ارضی و تغییر در نهاد مالکیت، نسبت کشاورزان مستقل به نسبت جمعیت روستایی که پیش از اصلاحات ارضی کمتر از ۵ درصد بود، پس از اصلاحات ارضی به ۷۶ درصد جمعیت روستایی رسید. اصلاحات ارضی (تا پیش از انقلاب اسلامی) بانی پدید آمدن طبقه وسیعی از مالکان خرده‌پا گردید که میزان دارایی آن‌ها به‌طور متوسط ۴ هکتار بود. همین مقدار زمین نیز معمولاً به شکل قطعات متعدد و پراکنده به کشاورزان رسید، دلیل این امر نیز نص صریح قانون اصلاحات ارضی بود که اعلام می‌کرد: زمین‌ها از نظر جنس خاک و دسترسی به آب باید به‌طور یکسان بین کشاورزان توزیع گردد.

با وقوع انقلاب، دولت جدید نیز به دلایل مختلف از جمله حمایت از قشر ضعیف و دهقانانی که حامی انقلاب می‌نامیدش، به توزیع و تقسیم زمین ادامه داد؛ اما به دلیل مخالفت روحانیون محافظه‌کار، در انتها با توزیع آنچه بیشتر زمین‌های دولتی بود و تعیین سقف مالکیت در هر محل، که منجر به باز توزیع برخی از زمین‌های خصوصی مالکان بزرگ باقی‌مانده، به اتمام رسید. در همین رابطه از کشت و صنعت عظیم خوزستان تنها دو واحد و

آن‌هم در مقیاسی بسیار کوچک‌تر باقی ماندند. در سطح کشور از ۹۳ شرکت سهامی بزرگ کشاورزی که تقریباً از ۱,۵ میلیون هکتار اراضی کشاورزی ممتاز برخوردار بودند، تنها پنج واحد باقی ماند. مزارع بزرگ خصوصی نیز که صاحبان آن‌ها به‌نوعی در ارتباط با رژیم پهلوی بودند در آذربایجان، قزوین، فارس، خوزستان، مازندران و دیگر نقاط کشور مصادره و باز توزیع شد. نتیجه اصلاحات ارضی دهه ۶۰ از بین بردن کشاورزی سرمایه‌داری خصوصی در مقیاس بزرگ و تبدیل آن به مزارع متعدد شد؛ به‌نحوی که در سال اول انقلاب ۱,۶۰۱,۰۰۰ خانوار، زمینی برابر با ۲,۴۳ میلیون هکتار در اختیار داشتند و در سال ۱۳۶۱، یعنی پس از گذشت ۴ سال از انقلاب اسلامی ۲,۶۶۰,۰۰۰ بهره‌بردار با زمین، در کشور وجود داشتند؛ از مجموع این طبقات بهره‌بردار، حدود ۳۳,۵٪ کمتر از ۱ هکتار، ۱۵,۲۵٪ بین ۵ تا ۱۰ هکتار و کلاً ۸۷٪ از بهره‌برداران کمتر از ۱۰ هکتار زمین در اختیار داشتند؛ در صورتی که متوسط زمین هر بهره‌بردار در سال ۱۳۵۳، ۶,۶۲ هکتار و تقریباً برابر با واحد تولیدی سنتی (جفت) بود.

نهاد دولت با تعریف خاصی از حقوق مالکیت و وضع قوانین و آیین‌نامه‌های بعدی موجب شد زمین‌های زراعی کوچک و کوچک‌تر شوند به‌نحوی که در سرشماری کشاورزی سال ۱۳۸۲، از مجموع بهره‌برداران کشاورزی کشور، ۳۴,۶ درصد کمتر از یک هکتار، ۳۷,۹ درصد تا کمتر از ۵ هکتار، ۲۲,۳ درصد ۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار، ۳,۹ درصد ۲۰ تا کمتر از ۵۰ هکتار و ۱,۳ درصد ۵۰ هکتار و بیشتر بوده است. نتایج سرشماری کشاورزی ۱۳۹۲ نیز تداوم وضعیت سابق را نشان می‌دهد؛ در این دوره سهم بهره‌برداران کمتر از ۱ هکتار ۳۶,۹ درصد، بهره‌برداران ۱ تا کمتر از ۵ هکتار ۲۸ درصد، بهره‌برداران ۵ تا کمتر از ۲۰ هکتار ۲۰,۳ درصد، بهره‌برداران ۲۰ تا ۵۰ هکتار ۳,۸ و بهره‌برداران ۵۰ هکتار و بیشتر ۱ درصد کل بهره‌برداران را به خود اختصاص داده‌اند. با توجه به تقسیم و کوچک شدن اراضی ناشی از اصلاحات ارضی، یکی دلایل مهم گسترش حفر چاه (مجاز و غیرمجاز) برای استحصال آب زیرزمینی همانا اصلاحات ارضی است. پس از اصلاحات ارضی، زارعین تازه مالک شده با استفاده از تجهیزات ارزان ناشی از دلارهای نفتی گزینه حفر چاه را ارزان‌تر و مقودتر از حفر و نگهداری قنوات می‌دانستند و این عامل

رشد چشمگیر آمار چاه‌ها است. امروزه به ازای هر ۷,۶ هکتار زمین کشاورزی تحت پوشش منابع آب زیرزمینی، یک حلقه چاه وجود دارد. هم‌زمان با اصلاحات ارضی، دولت با تصویب قوانینی از جمله قانون حفظ و حراست منابع آب‌های زیرزمینی کشور (۱۳۴۵)، قانون آب و نحوه ملی شدن آن (۱۳۴۷)، جایگاه دولت به‌عنوان نهاد مدیریت منابع آب کشور روزبه‌روز پررنگ‌تر و بهره‌برداری از منابع آب زیرزمینی وارد عرصه حقوق عمومی شد. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، با تعیین مالکیت منابع، تصمیمات متداخل و متضادی گرفته خواهد شد که منجر به انبوهی از برخوردها در میان رقبا خواهد شد. آنگاه جامعه برخی قواعد یا ملاک‌های رقابت را برای حل این برخوردها، تعیین می‌کند. این قواعد رقابت، به‌صورت قوانین، آئین‌نامه‌ها، رسوم و یا نظام‌های سلسله‌مراتبی جلوه‌گر شده و به‌عنوان «حقوق مالکیت» شناخته می‌شوند. مصادف شدن این اتفاقات با ورود و نهادینه شدن حفر چاه و تأکید حکومت جمهوری اسلامی ایران بر خودکفایی در محصولات اساسی غذایی، باعث شد تا به‌مرورزمان، نظام مشارکت و نظارت مدنی در جهت بهره‌برداری پایدار از منابع آب زیرزمینی جای خود را به بهره‌برداری فردی ناپایدار دهد. در این مسیر، فرآیند تغییر باورها به‌طور تدریجی صورت پذیرفت؛ یکی از عوامل تأثیرگذار در این فرآیند هزینه مبادله است. سیاست‌ها و برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب اسلامی و برنامه‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی یکی از عوامل اساسی بوده که باعث تغییر در هزینه مبادلات شده است که با دگرگون شدن عواملی از قبیل حقوق مالکیت (قانون اصلاحات ارضی)، دو نقش کلیدی منابع آب در طرح‌های آبی و طرح‌های عمرانی را تحت تأثیر قرار داده است. پس از انقلاب اسلامی و با تصویب قانون توزیع عادلانه آب (۱۳۶۱) تأثیرگذاری دولت در فرآیند مدیریت منابع آب بسیار پررنگ‌تر از قبل شد (ماده ۱ قانون توزیع عادلانه آب، ۱۳۶۱). متأسفانه این نوع سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، مسئله آب را بسان موضوع تراژدی دارایی‌های عمومی کرده است. تراژدی دارایی‌های عمومی اعلام می‌کند که: سوءاستفاده آدمی از ظرفیت بُردِ منابع عمومی (طبیعی) به تخریب منجر گردیده و هیچ نوع ضابطه یا جریمه یا هزینه‌ای برای جلوگیری یا جبران خسارت و نابودی این ظرفیت بُرد جذب منابع وجود ندارد. بر اساس یافته‌های این مقاله، رابطه مثبتی بین اصلاحات ارضی (کوچک و تقسیم شدن

اراضی)، افزایش بهره‌بردار، افزایش تعداد حلقه چاه و افزایش میزان تخلیه از منابع آب زیرزمینی وجود دارد. به‌نحوی که پیش از اصلاحات ارضی که تعداد بهره‌برداران خرد ۳۲۰,۰۰۰ بهره‌بردار بود که به همراه ۲۲۵۰ بزرگ مالک ۶۰ درصد اراضی کشاورزی را در اختیار داشتند و میانگین اراضی بهره‌برداران بیش از ۲۰ هکتار، تعداد چاه‌های استحصال منابع آب زیرزمینی نیز کمتر از ۴۰,۰۰۰ حلقه چاه و میزان استحصال نیز کمتر از ۹,۰۰۰ مترمکعب است؛ اما در سال ۱۳۵۸ که تعداد خرده‌مالکان به ۱,۶۰۱,۰۰۰ بهره‌بردار افزایش یافت تعداد چاه‌ها به بیش از ۷۰,۰۰۰ حلقه چاه و در سال ۱۳۶۷ که تعداد بهره‌برداران ۲,۸۰۰,۰۰۰ بهره‌بردار می‌شود و میانگین مساحت زمین‌های زراعی کمتر از ۳ هکتار است، تعداد حلقه‌های چاه ۲۲۱,۶۹۱ و میزان استحصال آب زیرزمینی ۳۲,۵۹۹ مترمکعب و در سال ۱۳۸۲ که تعداد بهره‌بردار ۳,۴۸۰,۷۲۹ است، تعداد حلقه‌های چاه ۴۶۸,۰۴۹ و میزان برداشت نیز ۴۴,۸۹۵ مترمکعب است؛ در اوایل دهه ۹۰ با تعداد ۳,۳۵۹,۴۰۹ بهره‌بردار شاهد بیش از ۷۶۳,۶۶۴ حلقه چاه و میزان برداشت ۴۷,۱۸۲ مترمکعب هستیم.

همان‌گونه که نورث اعلام می‌کند، کلید فهم تحولات تاریخی، تغییرات نهادی است و نهادها قوانین بازی در جامعه بوده و قیودی هستند که بیانگر روابط متقابل انسان‌ها با یکدیگرند، با تغییر نهاد مالکیت توسط نهاد دولت به‌مرور قوانین و آیین‌نامه‌های دیگری برای تنظیم روابط شکل می‌گیرند که در طی بیش از پنج دهه منجر به تغییرات شگرفی در حوزه مالکیت ارضی و افزایش چاه‌های زیرزمینی و در نتیجه تخلیه بیشتر منابع آبی گردیدند.

اصلاحات ارضی ◀ خرد و پراکندگی زمین‌های زراعی ▶ افزایش بهره‌بردار ▶ افزایش حلقه چاه ▶ افزایش تخلیه آب‌های زیرزمینی ▶ بحران آب

منابع

فارسی

آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷)، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و ابراهیم فتاحی، نشر نی.

ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*، نشر نی.

ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران*، انتشارات اطلاعات.

اشرف، احمد (۱۳۶۱)، *مسائل ارضی و دهقانی*، انتشارات آگاه.

آمار روستایی و کشاورزی ایران (۱۳۶۱)، *مسائل ارضی و دهقانی*، انتشارات آگاه.

آموزگار، جهانگیر (۱۳۷۶)، *فراز و فرود دودمان پهلوی*، ترجمه اردشیر لطیفیان، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.

آوری، پیتز (۱۳۷۹)، *تاریخ معاصر ایران «جلد دوم»*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، انتشارات عطایی، چاپ چهارم.

بافکر، هوشنگ؛ نیازی، جواد؛ حیدری، غلامرضا؛ یزدانی، ناصر و ابراهیم زاهدی عبقری (۱۳۶۳)، *بررسی مسائل مربوط به واگذاری زمین و واحدهای تولید مشاع در گرگان و گنبد*، وزارت جهاد کشاورزی.

بیات، آصف (۱۳۷۹)، *سیاست‌های خیبانی، جنبش تهی‌دستان در ایران*، ترجمه اسدالله نبوی، شیرازه.

پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت نیرو (۱۳۹۷/۵/۹)، *تفکیک اراضی زراعی عامل اصلی حفر چاه‌های غیر مجاز در آذربایجان غربی*، قابل دسترسی در:

<http://paven.ir/Detail.aspx?ANWID=61107>

تودارو، مایکل (۱۳۶۴)، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، انتشارات

برنامه و بودجه

خدای‌زاده، علی اکبر (بی‌تا)، *مراحل سه‌گانه اصلاحات ارضی (۱۳۵۰-۱۳۳۰)*، موسسه مطالعات تاریخ معاصر.

خسروی، خسرو (۱۳۵۵)، *جامعه‌شناسی روستایی ایران*، انتشارات دانشگاه تهران.

خسروی، خسرو (۱۳۶۰)، *مسئله ارضی و دهقانان تهیدست*، نشر بیداری.

رابعی‌غلامی، فراز (۱۳۹۵)، *تنش آبی سومین تهدید جدی کشور در شورای امنیت ملی اعلام شد*، قابل دسترسی در:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950920001148>

رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۷۰)، *فرآیند یکپارچه‌سازی اراضی و توسعه روستایی*، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.

روزنامه شرق (۱۳۹۶/۶/۴)، عبدالله فاضلی فارسانی، *دبیر اجرایی طرح احیا و تعادل بخشی آب‌های زیرزمینی «۶ سال بی‌قانونی در موضوع چاه‌های آب»*، شنبه ۴ شهریور ۱۳۹۶، شماره ۲۹۴۶.

زونیس، ماروین (۱۳۷۰)، *شکست شاهانه*، ترجمه عباس مخبر، انتشارات طرح نو.

دمستز، هرولد (۱۳۸۱)، *به‌سوی یک تئوری جدید در حقوق مالکیت*، ترجمه محسن رنایی، *تامین اجتماعی*، سال سوم، شماره دهم.

دورنر، پیتر (۱۳۵۶)، *اصلاحات ارضی و توسعه اقتصادی*، ترجمه احمد کریمی، انتشارات امیرکبیر.

سالنامه آماری (۱۳۸۲)، مرکز آمار ایران.

ستاد مرکزی هئیت‌ها و هئیت‌های هفت نفره (۱۳۶۲)، *عملکرد هئیت‌های هفت نفره واگذاری زمین از بدو تشکیل (خرداد ۱۳۵۹ تا شهریور ۱۳۶۲)*، ستاد مرکزی.

شرفی، سیدعلی (۱۳۶۸)، *مشکل تعدد و پراکندگی زمین‌ها، مزارع، زیتون، تیرماه*.

صندوق مطالعاتی نظام‌های بهره‌برداری کشاورزی ایران (۱۳۷۱)، *سیمای مالکیت اراضی مزروعی ایران*، نشر وزارت کشاورزی.

علی‌اکبری، زهرا (۱۳۸۲)، *دفع کشاورزی در زمین‌های قطعه‌قطعه، یاس اقتصادی*، شماره

عمید، محمدجواد (۱۳۸۰)، *کشاورزی، فقر و اصلاحات ارضی در ایران*، ترجمه رامین امینی نژاد، نشر نی.

فوران، جان (۱۳۸۳)، *مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب ایران*، ترجمه احمد تدین، نشر موسسه خدمات فرهنگی رسا. قربانی، فرج الله (۱۳۷۱)، *مجموعه کامل قوانین و مقررات اراضی و اصلاحات ارضی*، انتشارات دانشور.

کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۶۶)، *اقتصاد سیاسی ایران*، جلد ۲، انتشارات پاپیروس. کاجیل، دی. آر؛ اریک جاکوبی (۱۳۶۳)، *ارزشیابی ساختارهای کشاورزی و برنامه‌های اصلاحات ارضی*، ترجمه فرهاد ماهر، نشر وزارت کشاورزی و عمران روستایی. کمیته تحقیق و پژوهش مجتمع دانشگاهی علوم اداری و بازرگانی (۱۳۶۱)، *ضرورت رسیدگی فوری تر به تدوین قانون واگذاری و احیا اراضی، زیتون*، شماره ۱۱. لمبتون، آن کترین سواينفورد (۱۳۹۴)، *اصلاحات ارضی در ایران*، ترجمه مهدی اسحاقیان، امیر کبیر.

لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۹)، *تحولات اجتماعی در روستاهای ایران*، نوید. مجد، محمدقلی (۱۳۸۴)، *خرده مالکان و اصلاحات ارضی در ایران ۱۹۷۱-۱۹۶۲*، ترجمه علیرضا کریمی، *تاریخ معاصر*، شماره ۳۳.

محمودزاده، محمدتقی (بی تا)، *تشریح و تبیین قوانین، مقررات اراضی خارج از محدوده قانونی شهرها، پیام زمین*، سال ۲، شماره ۴.

مرکز آمار ایران (۱۳۵۱)، *کتاب سال آمار ۱۳۵۰*، سازمان برنامه و بودجه. مرکز آمار ایران (۱۳۵۳)، *کتاب سال آمار ۱۳۵۲*، سازمان برنامه و بودجه. مرکز آمار ایران (۱۳۵۴)، *کتاب سال آمار ۱۳۵۳*، سازمان برنامه و بودجه. ملکانیان، عیدالحسین (۱۳۶۵)، *پژوهشی بر نظام زمین‌داری، مالکیت‌ها، نظام بهره‌برداری، شیوه‌های تولید کشاورزی ایران*، وزارت کشاورزی.

مهدوی، حسین (۱۳۶۱)، *سی سال تغییرات در یک روستا از منطقه قزوین، مسائل ارضی و دهقانی*، انتشارات آگاه.

میردال، گونار (۱۳۶۶)، *درام آسیایی*، پژوهش درباره فقر ملت‌ها، ترجمه منوچهر امیری، انتشارات امیرکبیر.

نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی کل کشور، ۱۳۹۳.

نتایج تفصیلی سرشماری عمومی کشاورزی کل کشور، ۱۳۸۲.

ستاد مرکزی هیئت‌های هفت نفره (۱۳۶۶)، *نگرشی بر مسئله زمین و فعالیت هیئت‌های ۷ نفره واگذاری زمین در آئینه آمار*.

نورث، داگلاس (۱۳۷۹)، *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمدرضا معینی، نشر سازمان برنامه و بودجه.

نورث، داگلاس (۱۳۸۵)، *اقتصاد نهادی نوین و توسعه*، ترجمه فرشاد مؤمنی، اقتصاد سیاسی تحول همه جانبه، شماره ۱.

نورث، داگلاس (۱۳۷۹)، *ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصاد*، ترجمه غلامرضا آزادارمکی، نشرنی.

ویژه‌نامه اقتصادی روزنامه شرق (شهریور ۱۳۹۴)، بحران آب در ایران

هالیدی، فرد (۱۳۵۸)، *دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران*، ترجمه فضل‌الله نیک‌آئین، انتشارات امیرکبیر.

References

- Ajami, Ismail (1973), Land Reform and the Modernization of the Farming Structure in Iran. *Oxford Agrarian Stud.* 2, 120-31
- Biswas, A. K. and C. Tortajada. (2003), An Assessment of the Spanish National Hydrological Plan, *International Journal of Water Resources Development*, Vol. 19, No. 3, PP. 377-397.
- Haghighat, M. (2012). *Analyzing the status of land and crop farming consolidation in the Fars province*, M.Sc. Thesis, Faculty of Economics and Agricultural Development College of Agriculture and Natural Resources, Tehran University. (In Farsi).
- Madani, Kaveh & AghaKouchak, Amir & Mirchi, Ali (2016), Iran's Socio-Economic Drought: Challenges of a Water-Bankrupt Nation, *Iranian Studies*, 49:6, and 997-1016.

- Madani, Kaveh (2014), Water Management in Iran: What is causing the Looming Crisis? *J Environ Stud Sci* DOI 10.1007/s13412-014-0182-z, Available at: http://www.kysq.org/docs/Madani_Iran.pdf
- Denman, D. R. (1978). *Land Reforms of Shah and People. Iran under the Pahlavis*, ed. G. Lenczowski, pp. 253-301. Stanford CA: Hoover Institution Press.
- Warriner, D. (1969), *Land Reform in Principle and Practice*, Oxford: Oxford University Press.

Translated References into English

- Abrahamian, Yervand (1998). *Iran between Two Revolutions*, Tehran: Ney. [In Persian]
- Ali Akbari, Zahra (2003), "Agricultural Burial in Fragmented Lands", *Yas Magazine*. [In Persian]
- Amid, Mohammad Javad (2002), *Agriculture, Poverty and Agrarian Reforms in Iran* translated by Ramin Amininejad, Tehran Ney. [In Persian]
- Amoozgar, Jahangir (1997), *The Rise and Fall of the Pahlavi Dynasty*, translated by Ardeshir Lotfian, Tehran: Markaz Tarjomeh v Nashre Ketab. [In Persian]
- Ashraf, Ahmed (1982), *Agrarian and Peasant Issues*, Tehran: Agah. [In Persian]
- August Wittfogel, Karl (2013), *Oriental despotism, A Comparative study total power*, translated by Mohsen Salasi. Salea. [In Persian]
- Azkiya, Mustafa (1995), *Sociology of Rural Development and Underdevelopment in Iran*, Tehran: Etettelaat. [In Persian]
- Azkiya, Mustafa; Ghafari, Gholamreza (2004), *rural development with an emphasis on the rural society of Iran*, Tehran: Ney. [In Persian]
- Avari, Peter (2000), *Contemporary History of Iran "Volume II"*, translated by Mohammad Rafiei Mehrabadi, Tehran: Atai. [In Persian]
- Bafekr, Hooshang& others (1984), *investigated the issues related to the transfer of land and common production units in Gorgan and Gonbad*, Ministry of Jihad Agriculture. [In Persian]
- Bayat, Asef (2000), *street politics, empty hands movement in Iran*, translated by Asadollah Nabavi, Shirazeh. [In Persian]

- Cajil, D. R; Eric Jacobi (1984), *Evaluation of agricultural structures and land reform programs*, translated by Farhad Maher, Ministry of Agriculture. [In Persian]
- Detailed results of the general agricultural census of the whole country*, 2014. [In Persian]
- Detailed results of the general agricultural census of the whole country*, 2003. [In Persian]
- Douglass C. North (2000), *Structure and Transformation in Economic History* translated by Gholamreza Azadaramki. Tehran Ney. [In Persian]
- Douglass C. North (2000), *Institutions, Institutional Change and Economic Performance*, translated by Mohammad Reza Moini, Planning and Budget Organization. [In Persian]
- Douglass C. North (2006), *New Institutional Economics and Development*, translated by Farshad Momeni, *Political Economy*. [In Persian]
- Economic special feature of Shargh newspaper (September 2014), water crisis in Iran. [In Persian]
- Foran, John (2003), *Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution*, translated by Ahmad Tadayon, Tehran Rasa. [In Persian]
- Ghorbani, Farajollah (1992), *the complete set of land laws and regulations and land reforms*, Daneshvar. [In Persian]
- Griffin, Keith (1996), *Alternative Strategies for Economic Development*, translated by Hossein Raghfar and Mohammad Hossein Hashemi, Tehran Ney. [In Persian]
- Halliday, Fred (1979), *Iran: dictatorship and development*, translated by Fazullah Nik Ayin, Amir Kabir. [In Persian]
- Information base of the Ministry of Energy (9/5/2017)*, separation of agricultural lands, the main factor of drilling unauthorized wells in West Azerbaijan, accessible at: <http://paven.ir/Detail.aspx?ANWID=61107>. [In Persian]
- Iran's Agricultural Exploitation Systems Study Fund (1992), *Iran's Agricultural Land Ownership Chart*, Ministry of Agriculture. [In Persian]
- Katouzian, Mohammad Ali (1987), *Political Economy of Iran*, Papyrus. [In Persian]
- Katouzian, Mohammad Ali Homayun (2014), *Government and Society in Iran*, translated by Hassan Afshar, Markaz. [In Persian]

- Khodaizadeh, Ali Akbar (No date), *Three Stages of Land Reforms (1951-1971)*, Institute for Iranian Contemporary Historical Studies. [In Persian]
- Khosravi, Khosro (1976), *Rural Sociology of Iran*, Tehran University. [In Persian]
- Khosravi, Khosro (1981), *the land issue and poor peasants*, Bidari. [In Persian]
- Lambton, Ann Catherine Swinford (2014), *Land Reforms in Iran*, translated by Mehdi Eshaghian, Tehran Amir Kabir. [In Persian]
- Lehsaizadeh, AbdulAli (1990), *Social changes in the villages of Iran*, Navid. [In Persian]
- Mahdavi, Hossein (1982), *thirty years of changes in a village from Qazvin region, Agrarian and Peasant Issues*, Aghah. [In Persian]
- Majed, Mohammad Qoli (2004), "Small Owners and Land Reforms in Iran 1962-1971", translated by Alireza Karimi, *Tarikhe Moaser*. [In Persian]
- Malkanian, AbdolHossein (1986), *a research on the land tenure system, ownership, exploitation system, agricultural production methods of Iran*, Ministry of Agriculture. [In Persian]
- Mahmoudzadeh, Mohammad Taqi (No Deta), "Description and explanation of laws, regulations of lands outside the legal boundaries of cities", *Payam Zameen*. [In Persian]
- Nikki R. Keddie (2007), *Roots of Revolutio*, translated by Abdol Rahim Govahi, Tehran Elme. [In Persian]
- Rabei Gholami, Faraz (2015), water tension was declared the third serious threat to the country by the National Security Council, accessible in: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13950920001148>. [In Persian]
- Roknuddin Eftekhari, Abdolreza (1991), *the process of land integration and rural development*, PhD thesis, Tarbiat Modares University. [In Persian]
- Setad Markazi heyatha v heyathay Haft Nafareh (1983), *the performance of the seven-member delegations of land transfer from the beginning (June 1980 to September 1983)*, Setad Markazi. [In Persian]
- Statistical Centre of Iran (1975), *Statistics yearbook 1975*, Planning and Budget Organization. [In Persian]

- Statistical Centre of Iran (1977), *Statistics yearbook 1977*, Planning and Budget Organization. [In Persian]
- Statistical Centre of Iran (1978), *Statistics yearbook 1974*, Planning and Budget Organization. [In Persian]
- Setad Markazie Heyathay haft Nafareh (1987), *an attitude on the land issue and the activity of seven-member delegations of land transfer in the mirror of statistics*. [In Persian]
- Sharfi, Seyed Ali (1989), "The Problem of Multiplicity and Dispersion of Lands and Farms", *Zaytoun Magazine*. [In Persian]
- The Research and Research Committee of the Academic Complex of Administrative and Commercial Sciences (1982), "The need for more urgent attention to the formulation of the land transfer and restoration law", *Zeitoun Magazine*. [In Persian]
- Ural and agricultural statistics of Iran (1982), *Agrarian and Peasant Issues*, Tehran: Agah. [In Persian]
- Zonis, Marvin (1991), *Majestic failure: the fall of the Shah*, translated by Abbas Mokhbar, New Design Publications. [In Persian]

استناد به این مقاله: غفاری، مسعود؛ رضازاده، حبیب. (۱۴۰۲). سیاست دولتی اصلاحات ارضی و بحران آب در ایران. *دولت‌پژوهی*، ۹(۳۶)، ۱۷۳-۲۰۸. doi: 10.22054/tssq.2022.48065.785



The *State Studies Quarterly* is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.